

سوء استفاده از اختراع توسط محترکان حق اختراع

میر قاسم جعفرزاده^۱، سارا حاجی زاده^{۲*}

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۸

دریافت: ۹۳/۴/۷

چکیده

محترکان حق اختراع^۱ در زمره مؤسسات غیرتولیدی در حوزه اختراعاتند که مالکیت گواهی اختراع را بدون قصد بهره‌برداری از آن به دست می‌آورند. آن‌ها اختراع مورد نظر خود را خریداری کرده، بدون بهره‌برداری از آن منتظر نقض اختراع توسط بنگاه‌های اقتصادی می‌مانند. پس از وقوع نقض و تجاری‌سازی اختراع توسط بنگاه تولیدکننده، محترک حق اختراع با تهدید به طرح دعوی نقض به دنبال اعطای لیسانس با حق‌الامتیاز مورد نظر به این بنگاه است. به دلیل ویژگی‌های نظام حقوق اختراعات آمریکا، این مؤسسات اولین بار در این کشور شکل گرفته‌اند و امروزه نیز مرکز اصلی فعالیت آن‌ها آمریکا است. از لحاظ تاریخی آنچه زمینه‌ساز ظهور این مؤسسات بوده، ایجاد مالکیت‌های خصوصی متعدد و خرد در حوزه اختراعات و ویژگی‌های نظام حقوق اختراعات این کشور است. علیرغم این‌که برخی از

Email: sara.hj۶۶@yahoo.com

* نویسنده مسؤول مقاله:

۱. patent troll: واژه patent troll واژه‌ای با بار منفی است که از دو فصل patent به معنای اختراع و troll به معنای غول تشکیل شده است. اشخاصی که با این عنوان نامیده می‌شوند مالک اختراعات متعددی هستند که منبع کسب درآمد آن‌ها است و از این جهت که به دنبال تجاری‌سازی و استفاده عملی از اختراعات خود نیستند شاید بتوان مسامحتاً آنان را محترکان اختراع دانست. با توجه به نبودن واژه مناسب فارسی معادل که نشان‌دهنده ماهیت واقعی آن‌ها باشد در متن حاضر این واژه به معنای محترک حق اختراع به کار می‌رود.



حقوقدانان این اشخاص را عاملی در جهت افزایش انگیزه مخترعان، ایجاد سرمایه برای آن‌ها و در کل وجودشان را برای نظام حقوق اختراعات سودمند می‌دانند، پیامدهای منفی زیادی که این مؤسسات داشته‌اند سیستم قضایی و قانونگذاری را در جهت مقابله با آن‌ها برانگیخته است.

واژگان کلیدی: اختراع، محترک حق اختراع، پتنت تیکت، قرارداد لیسانس، نقض حق اختراع

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر فصل اعظمی از تجارت برخی از شرکت‌ها را حقوق ناشی از مالکیت‌های فکری تشکیل می‌دهد و شرکت‌هایی ایجاد شده‌اند که به صورت تخصصی موضوع فعالیت آن‌ها مدیریت این اموال فکری و حقوق ناشی از آن به ویژه حق اختراع است. در این میان مؤسساتی هستند که با به دست آوردن اختراعات فعالیتی در زمینه تجاری‌سازی آن‌ها نمی‌کنند و هدف آن‌ها صرفاً اعطای لیسانس نسبت به این حق فکری خود از طریق تهدید به اقامه دعوی نقض است. این مؤسسات محترکان حق اختراع نامیده می‌شوند. محترکان حق اختراع ممکن است در قالب اشخاص حقوقی یا حقیقی فعالیت کنند؛ ولی غالباً در قالب اشخاص حقوقی دیده می‌شوند. تعریف دقیقی از این مؤسسات داده نمی‌شود و وجود آن‌ها و فعالیتشان غیرقانونی نیست.

موفقیت محترکان بستگی به نقض اختراعاتشان توسط بنگاه‌های اقتصادی دارد. به همین جهت در انتخاب اختراعات خود تحقیق و مطالعه کافی دارند و اختراعی را انتخاب می‌کنند که امکان نقض آن توسط شرکت‌های تولیدکننده بیش‌تر باشد. علیرغم این‌که آن‌ها زمان و هزینه‌ای صرف تحقیق و توسعه نمی‌کنند با خرید اختراعات مورد نظرشان و اجرای حقوق ناشی از آن‌ها مبالغ زیادی را نصیب خود می‌سازند. در این مقاله با شناسایی مفهوم محترک حق اختراع و زمینه تاریخی ظهور آن آثار مثبت و منفی آن را بررسی می‌کنیم.



۲. مفهوم

محتکر حق اختراع واژه‌ای با بار منفی است که هیچ معنای رسمی ندارد و بیش‌تر باعث افزایش ابهام درباره ماهیت این مؤسسات می‌شود و برای نامیدن نوع خاصی از اجراکنندگان حقوق ناشی از اختراع به کار رفته است. تعاریفی که از این شخصیت حقوقی می‌شود غالباً بحث برانگیز و مورد انتقادند.

شناخت صحیح این شخصیت حقوقی با توجه به روش کار آن نشان می‌دهد که این مؤسسات یکی از موارد زیر هستند:

۱- مؤسساتی که اختراعات قدیمی و بحث برانگیز و بهره برداری نشده مؤسسات دیگر را خریداری می‌کنند تا بتوانند در مورد آن‌ها در برابر صنایع دیگر ادعا و طرح دعوا کنند. برای این محتکران هدف ایجاد فناوری وجود ندارد و درآمد آن‌ها ناشی از کسب اختراع و لیسانس دادن آن است.^۱ این مؤسسات ممکن است شرکت‌هایی باشند که اصالتاً فروشنده محصولات بوده‌اند،^۲ ولی کاملاً تولید خود را قطع کرده، صرفاً بر لیسانس دادن اختراعات خود تمرکز کرده‌اند.

۲- شرکتی که بدون خرید اختراع، به مشتریان خود برای شناسایی ناقص اختراعاتشان و طرح دعوا علیه او کمک کرده،^۳ در صورت توافق طرفین برای انعقاد قرارداد لیسانس خدماتی را در مرحله مذاکرات آن ارائه می‌دهد.

۳- مؤسسات حقوقی^۴ که برای موکلان خود علیه نقض‌کننده اختراع طرح دعوا می‌کنند. این مؤسسات حقوقی به صورت تخصصی در زمینه اختراع فعالیت می‌کنند و درآمد آن‌ها بخشی از حق امتیاز قرارداد لیسانس در صورت توافق طرفین یا خسارات پرداختی است [۱، ص ۱۲].

۱. trolling buyer

۲. trolling resurrector

۳. trolling agent

۴. trolling lawyer



به طور خلاصه مراحل شکل‌گیری فعالیت محترکان حق اختراع به این صورت است:
۱- مرحله اول یافتن اختراعاتی است که از نظر آن‌ها واجد ارزش اقتصادی بوده، دارای سه ویژگی باشند: اول این‌که مربوط به زمینه‌ای از فناوری باشند که رقبای زیادی دارد. دوم این‌که دارای حوزه شمول گسترده‌ای بوده، احتمال نقض آن‌ها زیاد باشد؛ زیرا در این صورت آن‌ها می‌توانند شرکت‌های متفاوتی را مورد هدف قرار دهند. سومین ویژگی، پایین بودن قیمت است. محترکان در پی این هستند تا با کم‌ترین هزینه اختراعات مورد نظرشان را به دست بیاورند. از آن‌جا که این سه ویژگی بیش‌تر در اختراعات مربوط به فصل‌های فناوری اطلاعات، نرم‌افزار و بیوتکنولوژی به‌وفور یافت می‌شود این اشخاص بیش‌تر در این زمینه‌ها فعالیت دارند. در این صنایع افراد زیادی رقابت می‌کنند و مبالغ بالایی را صرف تحقیق و توسعه می‌کنند تا سهم خود را در بازار افزایش دهند و از طرفی اختراعات این فصل‌های فناوری گسترده و ارزان‌تر است و لذا همه ویژگی‌های ذکر شده را دارند.

۲- مرحله دوم مورد هدف قراردادن شرکت مورد نظر است. برای این منظور شرکتی را انتخاب می‌کنند که امکان لیسانس دادن به او وجود داشته باشد و شرکتی باشد که در صورت اقامه دعوی نقض اختراع علیه او سرمایه زیادی از دست بدهد [۲، ص ۵].

۱-۲. نحوه تعامل محترکان حق اختراع و شرکت‌های مورد هدف

محترک حق اختراع در مجموع دو نمونه استراتژی دارد. در اولین نوع استراتژی، تهدید به متوقف کردن فعالیت نقض‌کننده با وسایل قانونی می‌کند و براساس این تهدید درباره دریافت حق امتیاز برای استفاده‌های آینده از تکنولوژی توسط نقض‌کننده مذاکره می‌کند. برجسته‌ترین این وسایل قانونی قرار منع دائم^۱ است که به معنای دستور دادگاه در متوقف کردن فعالیت ناقض تا زمان صدور حکم دعوا است. استراتژی دیگر فشار وارد کردن به نقض‌کنندگان برای پرداخت حق امتیاز یا خسارت حکم شده برای مدتی است

۱. permanent injunction



که حق اختراع را نقض کرده‌اند؛ به این ترتیب که محترکان قرار منع دائم نمی‌خواهند، بلکه خسارات را مطالبه می‌کنند [۳].

شرکت مورد هدف محترک حق اختراع از قدرت انتخاب محدودی برخوردار است و تنها چهار راه در برخورد با این اشخاص در پیش رو دارد: ۱) قبول انعقاد قرارداد امتیاز بهره‌برداری و پرداخت حق امتیاز، ۲) پذیرش ریسک دفاع در برابر دعوی نقض اختراع و متحمل شدن هزینه‌های سنگین این دعاوی، ۳) کناره‌گیری از بازار، ۴) اقامه دعوا علیه محترک. در نهایت بیش‌تر شرکت‌ها راه‌حل اول را ترجیح می‌دهند [۴].

شرکت‌های مورد نظر محترک حق اختراع که به انعقاد قرارداد لیسانس روی می‌آورند در سه گروه جای می‌گیرند: گروه اول شرکت‌هایی هستند که سرمایه کافی برای دفاع ندارند. زمانی که علیه یک شرکت فعال اقتصادی طرح دعوی نقض اختراع می‌شود، می‌تواند عاملی برای کاهش مشتریانش باشد؛ زیرا بار منفی دارد و از طرف دیگر هزینه‌های دفاع از این دعاوی بالا است و هر شرکتی توان پرداخت حق‌الوکاله‌های بالا و هزینه‌های مربوط به دادرسی و جبران خسارت را ندارد [۲، ص ۷]. گروه دیگر شرکت‌هایی هستند که در صورت طرح دعوی نقض و حکم به پرداخت خسارت حاضر به پرداخت نیستند و از طرف دیگر حاضر به از دست دادن منافی که با تلاش و زحمت به دست آوردند نیز نیستند. این گروه نیز به انعقاد قرارداد روی می‌آورند. گروه سوم شرکت‌هایی هستند که به دلیل صرف هزینه‌های زیاد برای تولیدات انبوه و داشتن تقاضای بالا بازار مناسبی دارند و به دلیل ترسشان از صدور قرار منع توسط دادگاه و توقف فعالیت‌هایشان و ضرر سنگینی که به آن‌ها وارد می‌گردد حاضر به پذیرش ریسک دفاع در مقابل دعوی نقض نبوده، در پیش گرفتن یک روش امن و مجوز بهره‌برداری را ترجیح می‌دهند [۲، ص ۷].

۲-۲. کیفیت اختراعات مورد هدف محترکان حق اختراع در مقایسه با



سایر اختراعات

درباره اعتبار اختراعات محترکان بحث‌های زیادی وجود دارد. عده‌ای اختراعات آن‌ها را معتبر می‌دانند و گروهی معتقدند این مؤسسات به دنبال به دست آوردن اختراعات ضعیف و ناچیزند. نظر درست در این باره یک نظر بینابین است. نمی‌توان به طور کلی اختراعات آن‌ها را نامعتبر یا معتبر دانست، زیرا در بسیاری موارد دادگاه‌ها ادعای نقض را پذیرفته و حکم به جبران خسارت می‌دهند و این فقط در صورتی امکان‌پذیر است که اختراع معتبر تشخیص داده شود. از سوی دیگر همه اختراعات آن‌ها با ارزش نیستند، زیرا با توجه به بالابودن حجم درخواست‌های ثبت اختراع و کمبود نیروهای لازم برای رسیدگی به اعتبار آن‌ها امکان ثبت اختراعات ضعیف و مبهم وجود دارد. در زمان خرید اختراعات معمولاً محترکان به دنبال اختراعاتی هستند که قابلیت استفاده در محصولات متعدد داشته و به‌عنوان جزء اساسی در محصولات موجود یا آینده قابل استفاده باشند. به همین جهت نفع آن‌ها در این است که اختراعات قدیمی فراموش شده را که در صنعت مدرن قابلیت استفاده دارند شناسایی کنند [5].

۳. زمینه تاریخی ظهور محترکان حق اختراع در نظام حقوق

اختراعات

ظهور محترکان برخلاف آنچه تصور می‌شود مسأله جدیدی نیست، بلکه در گذشته فعالیت آن‌ها به این میزان نبوده که نگرانی برای سیستم اختراع باشند و می‌توان گفت وجود آن‌ها به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. اگر به دنبال شناخت این مؤسسات باشیم ابتدا باید تاریخچه وجود آن‌ها را بررسی کنیم.

۱-۳. پتنت شارک^۱

۱. patent sharks



یکی از مواردی که به دلیل شباهت به محترکان حق اختراع به‌عنوان اولین مؤسساتی که چنین فعالیتی داشتند مطرح می‌گردد پتنت شارک در آمریکا است. این مؤسسات در قرن نوزدهم فعالیت داشتند و اختراعات مربوط به حوزه کشاورزی را می‌خریدند و علیه کشاورزانی که اطلاعاتی از ثبت شدن فناوری مورد استفاده‌شان نداشتند دعوای نقض اقامه می‌کردند. اختراعات آن‌ها به اصطلاح اختراعات مربوط به طراحی^۱ بودند که در کشاورزی استفاده می‌شدند [۶، ص ۶].

در این‌جا کسانی که در پی لیسانس دادن اختراعات بودند این اختراعات را می‌خریدند. این افراد به جای تعقیب کردن تولیدکنندگان که به احتمال زیاد اختراعات مشابه داشتند، در پی اقدام علیه مصرف‌کنندگان اختراعات خود بر می‌آمدند و لذا این مؤسسات برخلاف محترکان به جای اقامه دعوا علیه تولیدکنندگان علیه مصرف‌کنندگان اقدام می‌کردند و از آن‌جا که کشاورزان نمی‌دانستند ابزار مورد استفاده آن‌ها در قالب حق اختراع ثبت شده و مورد حمایت است، هدف این مؤسسات می‌شدند [۶، ص ۷].

۲-۳. پتنت تیکت^۲ و تئوری‌های مشابه در اموال مادی

۱-۲-۳. پتنت تیکت

یکی از مسائلی که از لحاظ تاریخی زمینه را برای فعالیت محترکان حق اختراع مهیا کرده است مسأله پتنت تیکت است. سیستم اختراع آمریکا دنیایی از اختراعات خرد ایجاد کرده، به نحوی که شبکه‌ای از حقوق مالکیت فکری که همپوشانی دارند به وجود آمده است. پتنت تیکت به معنای اعطای حق اختراع به ابتکاراتی است که همپوشانی دارند و این همپوشانی منجر به نقض اختراع دیگری در صورت استفاده مالک از حق اختراعش می‌گردد. زمانی که اختراعات به صورت خرد و جزئی در می‌آیند تعداد زیادی از آن‌ها که هریک مالک متفاوتی دارند، عناصر اختصاصی یک کالای تجاری را

۱. design patents

۲. patent ticket



در بر می‌گیرند [۷، ص ۵].

دلایل زیادی برای ایجاد این مسأله و ثبت اختراعات متعدد و خرد شدن اختراعات وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱) بالابودن حجم درخواست‌های ثبت اختراعات و نبود فرصت کافی برای رسیدگی به اعتبار اختراعات و در نتیجه ثبت اختراعاتی که با یکدیگر همپوشانی دارند، ۲) پیشرفت فناوری و نیاز بنگاه‌های اقتصادی به داشتن تولیدات بیش‌تر با استفاده از فناوری‌های پیشرفته که خود مستلزم داشتن اختراعات متعدد است، ۳) رویه دادگاه‌ها در صدور حکم به قرار منع علیه ناقض منجر به افزایش ثبت اختراعات از سوی شرکت‌های تولیدکننده برای کاهش احتمال نقض اختراع دیگران و اقامه دعوای نقض شده است، ۴) تغییر رویه بنگاه‌های اقتصادی در ثبت اختراعات خود عامل مخربی برای از بین رفتن انگیزه ثبت اختراع و افزایش ثبت اختراعات نامعتبر و رشد مسأله پتنت تیکت است. درگذشته هدف بنگاه‌های اقتصادی از ثبت اختراعات، کمک به پیشرفت علوم و فناوری و استفاده از اختراعات خود برای تولید محصولات جدید به منظور رفع نیازهای جامعه بود؛ ولی امروزه در کشورهایمانند آمریکا که مشکل پتنت تیکت وجود دارد، هدف شرکت‌های تولیدکننده از ابداعات جدید، کاهش احتمال طرح دعوای نقض علیه خود است [۷، ص ۵].

مفهوم پتنت تیکت خاص حقوق اختراعات و اموال فکری نیست و براساس تراژدی ناشی از مالکیت‌های خصوصی متعدد مایکل هلر^۱ در اموال واقعی و مادی نیز وجود دارد. در واقع پس از مطرح شدن تئوری هلر بود که این سؤال برای تحلیلگران در حوزه اختراعات مطرح گردید که آیا این تراژدی در اموال فکری نیز می‌تواند به وجود آید. اگر بخواهیم پیشینه تئوری هلر را بررسی کنیم می‌بینیم که تراژدی مایکل هلر بر مبنای مقاله‌ی گرت هاردین درباره تراژدی کالاهای مشترک به رشته تحریر درآمده است. لذا برای شفاف شدن مسأله پتنت تیکت دو تئوری نامبرده توضیح داده می‌شود.

۱. Michael Heller



۳-۲-۲. تراژدی کالاهای اشتراکی^۱

تراژدی کالاهای اشتراکی در سال ۱۹۶۳ توسط گرت هاردین^۲ مطرح گردید. هاردین بیان می‌کند تصور کنید مرتعی وجود دارد که همه افراد امکان استفاده از آن را دارند و هریک از آن‌ها سعی می‌کند برای استفاده بیش‌تر از آن مرتع، گله بزرگ‌تری بیاورد. برای چند قرن ممکن است این مسأله مفید باشد؛ زیرا به دلیل اختلافات ناشی از نحوه استفاده از مرتع اشتراکی بین آن‌ها جنگ شکل می‌گیرد و عده‌ای نیز در اثر بیماری می‌میرند؛ اما سرانجام تعداد دام‌ها و افراد بیش از ظرفیت زمین می‌شود، زیرا هریک از افراد برای افزایش درآمد خود دام اضافه می‌کند. این‌جا است که تراژدی شکل می‌گیرد؛ چرا که هریک از افراد بدون محدودیت اقدام به استفاده از کالای مشترک می‌کند و به این ترتیب این آزادی منجر به نابودی همه آن می‌شود. بنابراین هاردین می‌گوید در صورتی که در اموال مادی، مالکیت‌ها خصوصی و شخصی نگردد، بیم نابودی آن‌ها می‌رود. هاردین برای حل این مسأله، خصوصی‌سازی و راه‌حل‌های دیگری مانند پرداخت خسارت و قانونگذاری را مطرح می‌کند. به طور کلی در جایی که یک کالای عمومی وجود دارد هر انسانی به دلیل بالا بردن نفع شخصی‌اش در پی به حداکثر رساندن استفاده خود بر می‌آید و لذا هر نظام توزیعی برای این‌که مفید باشد باید چالش منافع شخصی انسان‌ها را در برگیرد؛ زیرا یک کالای مشترک بدون مدیریت در دنیایی از ثروت مادی محدود و امیال نامحدود نهایتاً به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر نابود می‌شود و این اجتناب‌ناپذیری، صفت تراژدی را که هاردین به کار برده است توجیه می‌کند [۸].

۳-۲-۳. تراژدی ناشی از مالکیت‌های خصوصی متعدد^۳

۱. tragedy of commons
۲. Garrett Hardin
۳. tragedy of anti-commons



با خصوصی شدن مالکیت‌ها نیز تراژدی دیگری شکل می‌گیرد. در سال ۱۹۹۸ مایکل هلر تراژدی ناشی از مالکیت‌های خصوصی متعدد را مطرح کرد. این تراژدی نقطه مقابل تراژدی کالای مشترک است. در تراژدی کالای مشترک یک منبع مشترک وجود دارد که مالکین متعدد دارد و هیچ‌یک نمی‌تواند مانع استفاده دیگری شود. تراژدی ناشی از مالکیت‌های خصوصی متعدد عکس این است؛ به این ترتیب که یک کالا دارای مالک خصوصی است که حق جلوگیری از استفاده دیگران را دارد. لذا از آن‌جا که مالک آن در استفاده از مالش دارای حق انحصاری است این منبع اختصاصی کم‌تر از حد معمول استفاده می‌شود و دیگران نیز برای استفاده از این منابع باید رضایت مالک را جلب کنند و در غیر این صورت استفاده آن‌ها غیرمجاز و جرم است [۹]. این مشکل در جوامع امروزی وجود دارد و کالاهای زیادی هستند که به دلیل داشتن مالک اختصاصی و عدم استفاده مالک از آن‌ها بیهوده باقی مانده‌اند. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد اگر در خصوصی شدن اموال و حقوق انحصاری مالکان آن‌ها نیز افراط گردد، این مسأله تبدیل به یک تراژدی می‌شود؛ زیرا نمی‌تواند تأثیر مثبتی بر رشد و توسعه جوامع داشته باشد، بلکه برعکس باعث به وجود آمدن مشکلات جدیدی می‌گردد. برای حل این مسأله نیز راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌شود؛ مانند پرداخت مبالغی به دلیل عدم استفاده از منابع خصوصی و ایجاد یک رژیم مالکیت خصوصی صحیح توسط دولت و بازار [۱۰، ص ۴].

تراژدی ناشی از مالکیت‌های خصوصی متعدد در اموال فکری نیز نمود پیدا می‌کند. در صورت اشتراکی بودن اموال فکری به دلیل ذات بشر که در پی استفاده حداکثری از اموال مشترک و افزایش سود خود بدون در نظر گرفتن منافع دیگران است، در مدت زمان کوتاهی این اموال از بین می‌روند و با توجه به زمان و انرژی که هنرمندان و مخترعان و سایر دارندگان آفرینش‌های فکری برای ایجاد این اموال صرف می‌کنند، عدم حمایت از اموالشان انگیزه آفرینش‌های جدید را در آن‌ها از بین می‌برد. در نهایت چاره‌ای جز حمایت از مالکان آفرینش‌های فکری و اعطای حقوق انحصاری به آن‌ها وجود ندارد؛ ولی این حقوق انحصاری باید به گونه‌ای باشد که بتواند هدف سیستم



حقوقی را تأمین کند تا از مسیر اصلی خود منحرف نگردد.

۳-۲-۴. آثار پتنت تیکت بر نظام حقوق اختراعات

۳-۲-۴-۱. کاهش ابتکارات و توسعه فناوری

اگر یک مؤسسه قصد تولید محصولی را دارد که مبتنی بر چند حق اختراع است باید با همه مالکان اختراعات مربوط وارد مذاکره شده، هزینه‌های لازم برای استفاده از اختراع آن‌ها را پرداخت کند. اغلب تولیدکنندگان برای تولید کالایی که دارای اجزای متعدد است یک ارزیابی هزینه-فایده انجام می‌دهند؛ به این صورت که با توجه به اجزای کالای تولیدی محاسبه می‌کنند که در صورت ثبت آن اجزا در قالب حق اختراع توسط مالکان متعدد چه میزان حق امتیاز برای لیسانس گرفتن آن‌ها باید پردازند و با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده کالا، میزان تقاضا برای کالاشان به چه صورت خواهد بود؛ زیرا افزایش قیمت کالا در صورتی که از کالاهای اساسی نباشد که خرید آن با هر قیمتی ضروری است، منجر به کاهش تقاضا برای آن می‌شود. از طرف دیگر با توجه به این‌که هریک از اجزای مورد نیازشان مالک جداگانه‌ای دارد، این دشواری کار را برای مذاکره با هریک و پرداخت حق امتیازهای متعدد بالا می‌برد؛ حال آن‌که اگر همه این اجزا متعلق به یک یا دو نفر بودند کار بسیار آسان‌تر و هزینه‌ها نیز کمتر می‌شد. این محاسبات را باید قبل از تصمیم به ایجاد بنگاه تولیدی انجام دهند؛ زیرا در صورت نداشتن سرمایه کافی در اواسط کار متوقف شده، ورشکست می‌گردند [۱۰، ص ۲۶]. به این ترتیب مشکل پتنت‌تیکت منجر به وجود آمدن توده‌ای از حق امتیاز-ها می‌شود که تولیدکننده برای تولید یک محصول باید پردازد.

این مسائل می‌توانند منجر به توقف ابتکارات و توسعه فناوری شوند؛ زیرا اگر توسعه فناوری مبتنی بر چند ابتکار قبلی باشد همیشه با ریسک نقض حق دیگری همراه است و نیز با ریسک هزینه‌های مربوط به دفاع از دعوای نقض و جبران خسارت که بسیاری از شرکت‌ها را از ادامه کار باز می‌دارد [۱۰، ص ۲۶].

۱. royalty stacking



۲-۴-۲-۳. افزایش میزان ثبت اختراعات با حوزه شمول گسترده

زمانی که در زمینه‌های متعدد اختراعاتی ثبت می‌شوند که همپوشانی دارند شرکت‌هایی که در زمینه تولید و تجاری‌سازی اختراعات عمل می‌کنند بیم نقض اختراعات دیگران و متحمل شدن خسارات آن را دارند. این مسأله منجر به دو رفتار در زمینه ثبت اختراعاتشان می‌شود: ثبت اختراعات با حوزه شمول گسترده و افزایش میزان ثبت اختراعات از سوی آن‌ها [۱۰، ص ۲]. دلیل این‌که شرکت‌ها با پیش‌بینی وضع موجود به دنبال ثبت اختراعات زیاد و توسعه آن‌ها و ثبت اختراعات با حوزه شمول گسترده بر می‌آیند، مقابله با شرایط موجود است که امکان نقض اختراعات دیگران را افزایش داده است. ولی از جهتی اختراعات آن‌ها از درجه اعتبار بالایی برخوردار نیست و خود عاملی در افزایش مشکل پتنت‌تیکت است [۱۱].

۳-۴-۲-۳. استفاده غیر مجاز از اختراعات

در این شرایط که اختراعات خرد شده‌اند شرکت‌های تولیدکننده که می‌خواهند کالایی تولید کنند که در بردارنده چند اختراع است یا باید با مالک اختراعات مربوط وارد مذاکره شده، حق لیسانس اختراع را از آن‌ها بگیرند و یا این‌که بدون اجازه از اختراعات استفاده کرده، اقدام به تولید کنند و ریسک عواقب آن را که طرح دعوا و در مواردی قرار منع است بر عهده بگیرند [۱۰، ص ۸].

وضعیت برخی از شرکت‌ها به گونه‌ای است که اگر بخواهند با مالک هریک از این اختراعات وارد مذاکره شوند و حق امتیاز بپردازند باید هزینه‌ای بیش‌تر از آنچه برای دفاع از دعوا متحمل می‌شوند پرداخت کنند، در حالی که در فرض استفاده بدون کسب اجازه امکان دارد که برخی از مالکان اختراع از استفاده اختراعاتشان مطلع نگردند و اقامه دعوا نکنند. البته این در حالی است که تولیدکننده از وجود اختراعات مطلع باشد؛ چرا



که در مواردی نیز ممکن است تولیدکننده از وجود اختراعات ثبت شده در زمینه فناوری مورد استفاده‌اش اطلاعی نداشته باشد [۱۰، ص ۸]. همان‌گونه که بیان گردید پتنت تیکت که اولین بار در سال ۱۸۵۶ در حوزه اختراع ماشین بافندگی ایجاد شد [۱۲] خود زمینه‌ساز ایجاد احتکار در حوزه اختراعات بوده و آثار زیان‌آوری در زمینه اقتصاد کشورها داشته که فعالیت محتکران نیز آثار منفی مشابهی را در پی دارد.

۳-۳. تأثیر ساختار نظام حقوق اختراعات بر ظهور و رشد محتکران حق

اختراع

برای ثبت اختراع دو نظام وجود دارد: (۱) نظام اعلامی، (۲) نظام بررسی ماهیتی. باید توجه داشت که نظام ثبت اختراع لزوماً یکی از دو نظام مذکور به صورت مطلق نیست و ممکن است سیستم اختراع در یک کشور در بعضی از حوزه‌های علوم و فناوری به صورت اعلامی و در بعضی از علوم به شکل ماهوی باشد. کشور ایالات متحده آمریکا با برخورداری از یک نظام پیچیده و دقیق، نظام بررسی ماهیتی را برگزیده است [۱۳]. بالا بودن حجم اظهارنامه‌های ثبت اختراع و نبود وقت کافی برای بررسی دقیق هریک از آن‌ها و ویژگی‌های نظام حقوق اختراعات این کشور زمینه فعالیت محتکران را ایجاد کرده است [۱۴، ص ۴].

۳-۳-۱. بالا بودن حجم اظهارنامه‌های ثبت اختراع در اداره ثبت اختراعات

از لحاظ تاریخی خلئی که در سیستم اختراعات آمریکا زمینه فعالیت محتکران را فراهم کرده عبارت است از: بالا بودن حجم درخواست‌های ثبت اختراع و نبود نیروهای متخصص کافی در اداره ثبت اختراعات. آمار نشان می‌دهد که تعداد اختراعات ثبت شده در ایالات متحده از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۲ هر ساله ۱ درصد افزایش داشته و این رقم از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۲ به هر سال ۵/۷ رسیده است [۱، ص ۱۴].



اداره ثبت علائم و اختراعات آمریکا سالانه حدود ۳۵۰۰۰۰ درخواست ثبت اختراع دریافت می‌کند که حدود ۱۷۷۰۰۰ حق اختراع از میان آن‌ها ثبت می‌شود. با توجه به بالا بودن حجم کار، افزایش نیروهای متخصص هم نتوانسته است پاسخگوی این میزان اظهارنامه ثبت اختراع باشد و این مسأله منجر به ثبت اختراعاتی مبهم و با دامنه شمول گسترده و خرد شدن اختراعات و پایین آمدن کیفیت آن‌ها شده و به مالک این اختراعات امکان طرح دعاوی نقض واهی را داده است.

۳-۲-۳. ویژگی‌های ساختار نظام حقوق اختراعات

دومین مسأله‌ای که منجر به تمرکز فعالیت محکمران حق اختراع در آمریکا شده ویژگی-های نظام حقوقی آن‌ها است. مسأله‌ای که در اکثر نظام‌های حقوقی وجود دارد پرداخت خسارات قانونی در دعاوی توسط طرف بازنده است؛ به این ترتیب که اگر خواهان یا خوانده، هر کدام محکوم واقع شوند باید هزینه‌های قانونی طرف مقابل اعم از هزینه دادرسی، حق‌الوکاله و هزینه‌های دیگر مانند کارشناسی را بپردازند. در حقوق اختراعات آمریکا چنین قانونی پیش‌بینی نشده است و این مسأله موقعیت محکمران را تقویت می‌کند [۱۵].

یکی دیگر از ویژگی‌های حقوق اختراع آمریکا که می‌تواند به نفع این اشخاص باشد عدم دسترسی نسبی به پروانه بهره برداری اجباری است؛ در حالی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله ایران برای مخترعینی که در مدت زمان مشخصی از اختراع خود استفاده عملی نکرده‌اند با شرایطی پیش‌بینی شده است.

مورد دیگر روش‌های جبران خسارت در آمریکا در دعاوی نقض اختراع است. روش‌های جبران خسارت مانند توقف فعالیت نقض‌کننده تا صدور حکم دادگاه به

۱. USPTO

۲. البته در این سیستم راهکار جایگزین پیش‌بینی شده است و آن قاعده منع سوءاستفاده از انحصار ناشی از حق اختراع است و لذا رویه قضایی کوشیده است به استناد این قاعده مانع این رفتار شود.



گونه‌ای است که منجر به تقویت موقعیت مالک اختراع بدون توجه به عدم تجاری‌سازی اختراع از سوی او می‌گردد [۱۴، ص ۲۰]. این مسأله بعد از دعوی «ای بی علیه مرک اکسپینج»^۱ تا حدودی اصلاح گشته است و دادگاه‌ها در صدور حکم به جبران خسارت به استفاده عملی مالک اختراع از آن و افزایش ارزش اختراعش توجه می‌کنند.

۴. آثار مثبت و منفی وجود محترکان حق اختراع

طرفداران وجود محترکان معتقد به داشتن آثار مثبت برای این مؤسساتند؛ در حالی که منتقدان، وجود آن‌ها را مخرب ابتکارات و منافع جامعه می‌دانند. در زیر به طور خلاصه آثار مثبت و منفی این مؤسسات را از نظر طرفداران و مخالفان وجود آن‌ها بیان می‌کنیم.

۴-۱. آثار مثبت

الف) افزایش قدرت چانه‌زنی و ایجاد سرمایه برای مخترعان: مطالعه فعالیت‌های مبتکرانه در اوایل قرن نوزدهم در آمریکا نشان داده است که افزایش تجارت در زمینه اختراعات منجر به بالا رفتن تخصص و کارایی در میان مخترعان شده و آن‌ها به جای تمرکز بر تجاری‌سازی، با فروش اختراعات خود، وقتشان را صرف اختراعات جدید می‌کنند. از طرفی محترکان با توجه به تجربه کاری که دارند بهتر می‌توانند اختراعات متعدد را ارزشگذاری کنند و اگر اختراع به آن‌ها منتقل نمی‌شد چه بسا مالک اختراع هیچ‌گاه از نقض آن مطلع نمی‌گشت [۱۶]. این مؤسسات زمینه اجرای حقوق بنگاه‌های اقتصادی کوچک را در برابر رقبای بزرگ که حقوق آن‌ها را نقض کرده‌اند فراهم کرده، به گونه‌ای بهتر از شرکت‌های دیگر اهداف مخترعین را تأمین می‌کنند؛ زیرا این مؤسسات برخلاف وکلای دیگر هزینه‌ها و دیگر منابع لازم برای ادامه رسیدگی به

۱. eBay v. MercExchange



دعوی نقض را در اختیار مخترع می‌گذارند [۱۷].

ب) کاهش ریسک ناشی از نابرابری اطلاعات خریدار و فروشنده در بازار: در بازار کالا و خدمات غالباً تعادلی بین اطلاعات خریدار و فروشنده وجود ندارد و این مسأله ریسک موجود در مبادلات را افزایش می‌دهد و برخی افراد به دلیل نداشتن اطلاعات کافی درباره قیمت کالاها و ارزش واقعی آنها و زمان مناسب برای خرید و اطلاعاتی از این قبیل، از ورود به معاملات خودداری می‌کنند و یا معاملات ضرری انجام می‌دهند؛ در حالی که کسانی که به صورت تخصصی در زمینه‌ای فعالیت دارند اطلاعات کافی داشته، بهتر می‌توانند ریسک ناشی از عدم تعادل اطلاعات را مدیریت کنند [۱۸].

طرفین برای انجام یک مبادله مطمئن نیاز به جستجو و اطلاعاتی دارند که هزینه‌بر است. خریدار و فروشنده باید در زمینه این‌که چه چیزی، در کجا و با چه قیمتی یافت می‌شود و همچنین پیدا کردن یک طرف معامله مناسب تحقیقاتی انجام دهند، حال آن‌که می‌توانند با سپردن کار خود به محترکان حق اختراع، هزینه و وقت خود را در جایی مفیدتر صرف کنند. به همین دلیل برخی از مخترعان به‌کارگیری اختراع و لیسانس دادن آن را موجب اتلاف وقت خود و پرهزینه می‌دانند و با فروش اختراعشان به محترک توانایی خود را برای اختراعات جدید افزایش می‌دهند [۱۹].

ج) افزایش ابتکار و ایجاد انگیزه برای مخترعان: با توجه به این‌که محترکان حق اختراع قابلیت تبدیل به پول شدن را در اختراعات افزایش می‌دهند، بدون وجود این مؤسسات بازار تبدیل به یک نهاد جستجوگر و بدون تمرکز می‌شود. در یک بازار جستجوگر مالک حق اختراع باید در جستجوی شرکتی باشد که بتواند اختراعش را به او لیسانس دهد، ولی در فرض وجود محترک مخترع نباید وقت خود را صرف یافتن لیسانس‌گیرنده کند و بازار مرکزیت می‌یابد. این فعالیت‌ها با تشویق مخترعان به این‌که نتیجه و عوض اختراع خود را می‌بینند باعث افزایش ابتکارات می‌شوند [۲۰].

۴-۲. آثار منفی



الف) محدود شدن دسترسی افراد به کالاهای مورد نیاز: یکی از آثار اقامه دعوا توسط محترک حق اختراع متوقف کردن فعالیت شرکت مورد هدف است. مالک اختراع می‌تواند از دادگاه رسیدگی‌کننده صدور دستور توقف فعالیت نقض‌کننده^۱ را درخواست کند. به این ترتیب در برخی موارد شرکت‌ها در ابتدای امر از ادامه فعالیت و استفاده از اختراع برای تولید کالای مورد نیاز عموم باز می‌مانند [۲۱]. در صورت طرح دعوا از سوی محترکان حق اختراع شرکت نقض‌کننده برای دفاع در برابر آن‌ها از منابع مالی که برای تولید و پیشرفت اختراع مربوط بودند استفاده می‌کند که به این ترتیب به جای صرف منابع مالی برای تولید کالا، هزینه‌های دفاع را تأمین می‌کند. در نتیجه نه تنها محترکان هیچ منفعتی برای جامعه و افزایش ابتکارات ندارند، بلکه صرفاً باعث ضربه زدن به آن‌ها می‌شوند [۲۲].

ب) کاهش میزان فروش شرکت مورد هدف: محترکان برای موفقیت بیشتر، شرکت‌هایی را مورد هدف قرار می‌دهند که سرمایه‌دار و دارای فروش بالایی باشند و در نتیجه اقامه دعوا ضرر بیشتری به فروش آن‌ها و ارزش کالاهایشان وارد شود [۲۳]. شواهد نشان می‌دهد طرح دعاوی منجر به پایین آمدن ارزش کالاهای شرکت ناقض می‌شود [۱۷، ص ۹] و شرکتی که مورد هدف آن‌ها قرار گرفته و خواننده دعاوی نقض اختراع شده با کاهش فروش مواجه گشته است [۲۴].

ج) کناره‌گیری بنگاه‌های کوچک اقتصادی از بازار: برخی از حقوقدانان عدم توجه به بنگاه‌های کوچک اقتصادی در حمایت از اختراعات را به‌عنوان ضعف سیستم اختراع مطرح می‌کنند و معتقدند که این سیستم به نفع شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌دار است. سوءاستفاده محترکان از اختراعات خود و طرح دعوا علیه شرکت‌ها منجر به بیم شرکت‌های کوچک که سرمایه زیادی ندارند از به‌کارگیری اختراعات برای تولید محصول می‌شود؛ حال آن‌که یک شرکت بزرگ و سرمایه‌دار حتی در صورت بروز مشکل برای اختراعی که به کار می‌گیرد و ادعای نقض اختراع دیگری، همچون

۱. قرار منع دائم.



بنگاه‌های کوچک اقتصادی مشکلی برای پرداخت حق امتیاز یا ورود به دعوا ندارد [۲۵].
د) سوء استفاده از اختراع: یکی از ویژگی‌های سیستم اختراع اعطای حقوق انحصاری به مخترع است. با توجه به ویژگی‌های خاص اموال فکری اگر چنین حمایت‌هایی از سوی قانونگذار وجود نداشته باشد به راحتی مورد استفاده دیگران قرار گرفته، حق دارنده آن‌ها پایمال می‌شود. در مقابل اعطای این حقوق انتظار می‌رود منافعی نیز نصیب جامعه گردد. لذا مخترع می‌تواند از طریق استفاده عملی از اختراعش و یا در صورت نداشتن امکانات لازم، از طریق واگذاری حق اختراع به بنگاه‌های اقتصادی امکان تجاری‌سازی آن و نفع رساندن به جامعه را فراهم سازد. اما رفتار محترکان حق اختراع کاملاً در جهت مخالف منافع عموم است. این مؤسسات نه تنها خود قصد استفاده عملی از اختراع را علیرغم داشتن منابع مالی لازم ندارند، بلکه به دنبال واگذاری آن به تولیدکنندگان نیز نیستند. فعالیت این مؤسسات نشان‌دهنده سوءنیت آن‌ها و سوء استفاده‌شان از حقوق انحصاری اعطا شده است [۲۶].

۵. زمینه ظهور احتکار در اختراعات در حقوق ایران

با توجه به این‌که امروزه در ایران نیز حجم اظهارنامه‌های ثبت اختراع در زمینه‌های متعدد مانند نانو، بیو و الکترونیک نسبت به چند سال گذشته افزایش یافته، احتمال می‌رود که در سال‌های آینده با مشکل ایجاد مالکیت‌های خرد و متعدد در حوزه اختراعات^۱ مواجه شویم که به کارگیری این اختراعات زمینه نقض اختراعات دیگران را فراهم می‌کند. در حال حاضر در ایران مؤسساتی که صرفاً به دنبال لیسانس دادن اختراع با تهدید به اقامه دعوای نقض باشند و هیچ هدفی برای تجاری‌سازی اختراعاتشان نداشته باشند فعالیت ندارند و آنچه منجر به عدم تمایل چنین مؤسساتی برای فعالیت در ایران شده، ویژگی‌های نظام حقوقی کشور ما است.

۱. patent ticket



با توجه به این که اگر در ایران احتکار در حقوق اختراعات ایجاد شود به نفع توسعه اقتصادی نیست و می تواند آثاری منفی بر بازار فناوری داشته باشد، برای پیشگیری از شکل گیری آن اولین مسأله ثبت کردن اختراعاتی است که به معنای واقعی معتبر و واجد شرایط لازم باشند. یکی از مسائلی که باید در اداره ثبت اختراعات مورد توجه قرار گیرد عدم ثبت اختراعاتی است که دارای حوزه شمول گسترده و مبهم هستند. دومین مسأله افزایش نیروهای متخصص در بررسی ویژگی های اختراعات است؛ زیرا افزایش حجم درخواست های ثبت اختراع و نبود نیروهای کافی می تواند عاملی در جهت پایین آمدن سطح اختراعات ثبت شده باشد.

استفاده عملی از اختراعات شرط حمایت از آنها نیست، ولی با توجه به اهمیت تجاری سازی اختراعات، برای تشویق مخترعان و کمک به آنها در یافتن مسیر صحیح برای استفاده از اختراعاتشان در اداره ثبت اختراعات اداره مالکیت صنعتی فصلی ایجاد شده است. در این بخش مشاورانی حضور دارند که پس از آشنا شدن با اختراع و فعالیت های انجام شده توسط مالک، دارنده آن را برای تعیین مقصد نهایی و یافتن مسیر صحیح در تجاری سازی اختراعش کمک می کنند.

از آن جا که اغلب مبتکران و مخترعان مراحل مختلف تجاری سازی اختراع خود را به خوبی نمی شناسند، از اختراع خود استفاده نمی کنند و در مواردی آن را به دیگران واگذار می کنند؛ ولی حضور یک مشاور در کنار آنها به ویژه فعال شدن کارگزاران (دلالتان) بازار فناوری که با فرایندهای مهم تجاری و فنی و مالی آشنا باشند مشوق آنها به تجاری سازی اختراعاتشان است. لذا این حرکت گامی مثبت در جهت جلوگیری از سوءاستفاده عده ای در به دست آوردن اختراعات دیگران و احتکار کردن آنها بوده است.

مسأله دیگر که از موانع شکل گیری این مؤسسات در ایران بوده، وجود پروانه بهره برداری اجباری در زمینه اختراعات است. پروانه بهره برداری اجباری اجازه ای است که توسط یک نظام صالح ملی صادر و به شخص متقاضی اعطا می گردد تا از یک



محصول یا فرایند ثبت شده بدون اجازه دارنده آن استفاده کند و در واقع، این فصلی از نظم عمومی است که می‌کوشد تعادلی بین حقوق انحصاری دارندگان حق اختراع از یک سو و حقوق مصرف‌کنندگان از سوی دیگر پدید آورد.

همان‌گونه که بیان گردید از مواردی که منجر به تشویق فعالیت محترکان حق اختراع در کشور آمریکا شده، صدور قرار منع دائم است که به دلیل متوقف کردن فعالیت نقض‌کننده تا صدور حکم، قدرت چانه‌زنی آن‌ها را در پیشبرد اهدافشان افزایش می‌دهد. در حقوق ایران چنین قراری وجود ندارد و نهاد مشابه آن دستور موقت است که دائمی نبوده، فقط در مواردی که فوریت اثبات گردد صادر می‌شود و صدور آن شرایطی دارد. اگرچه در همه موارد با درخواست دستور موقت موافقت نمی‌گردد، ولی در صورت صدور این دستور، محترکان می‌توانند از آن به‌عنوان اهرم فشاری علیه نقض‌کننده استفاده کنند؛ زیرا توقف فعالیت شرکت حتی به صورت موقت نیز می‌تواند فعالیت شرکت را مختل کند و این عملی است که محترکان در آمریکا با استفاده از قرار منع دائم انجام می‌دهند. البته به طور کلی روش‌های جبران خسارت در دعاوی نقض اختراع در ایران به گونه‌ای نیستند که زمینه ظهور و انگیزه آن‌ها را برای فعالیت در ایران فراهم کنند.

۶. نتیجه

برآمد این مقاله این است که جبران خسارت در دعاوی نقض اختراع در برخی کشورها مانند آمریکا به گونه‌ای است که دارندگان گواهی اختراع را ترغیب می‌کند به جای بهره‌برداری از حق اختراع خود به دنبال شناسایی بنگاه‌های تولیدی باشند که به صورت غیرعمدی و سهوی اقدام به نقض اختراعات آن‌ها کرده‌اند. لذا در زمینه اختراعات بازار ثانویه‌ای ایجاد شده است که بازیگران متفاوتی در آن ایفای نقش می‌کنند. آن‌ها به دنبال تولید و به‌کارگیری فناوری نیستند، بلکه هدفشان به دست



آوردن اختراعات برای اعطای لیسانس از طریق تهدید نقض‌کننده به اقامه دعوا علیه او است. این اشخاص محترکان حق اختراع نامیده می‌شوند. بررسی زمینه تاریخی ظهور آن‌ها نشان می‌دهد که آنچه زمینه ظهور و رشد آن‌ها را فراهم کرده، مالکیت‌های خصوصی متعدد در زمینه اختراعات است که به معنای ثبت اختراعات خرد و تکه‌تکه شدن اختراعات و همپوشانی داشتن آن‌ها است. به همین جهت شرکت‌های فعال در زمینه فناوری‌های متعدد که قصدشان تولید محصولات با استفاده از ابتکارات است باید خطر اقامه دعوی نقض اختراع را بپذیرند. فعالان اقتصادی باید با شناخت صحیح از محیطی که در آن فعالیت می‌کنند استراتژی مرتبط با به‌کارگیری اختراع خود را با محیطشان هماهنگ کنند.

بنگاه‌ها به دلیل همپوشانی داشتن اختراعات ثبت شده احتمال نقض اختراع دیگران را می‌دهند. آن‌ها برای کاهش این مشکل و داشتن اطمینان خاطر برای ادامه فعالیت، روش و نگرش خود را نسبت به داشتن آفرینش‌های فکری تغییر داده، دیگر به دنبال داشتن ابتکارات جدید برای رشد و ترقی علوم نیستند، بلکه به دنبال مقابله با وضع موجود و حفظ خط تولید خود هستند و به این منظور اقدام به ثبت اختراعاتی پیرامون اختراع خود می‌کنند تا احتمال نقض اختراع دیگری کاهش یابد. علی‌رغم آثار مثبت احتکار اختراع همچون ایجاد بازار شفاف برای اختراعات، ایجاد سرمایه برای مخترعان، کاهش ریسک ناشی از نابرابری اطلاعات در بازار، اکثر تحلیلگران وجود آن‌ها را منفی و باعث انحراف سیستم اختراع از اهداف اصلی خود، کاهش ابتکارات، محدود شدن دسترسی افراد به کالاهای مورد نیاز و افزایش هزینه‌های تولید بنگاه‌های اقتصادی می‌دانند. نتیجه‌ای که می‌توان از پیامدهای فعالیت این مؤسسات گرفت شناسایی آن‌ها به‌عنوان مشکل نظام حقوق اختراعات است. به این ترتیب محترکان حق اختراع به‌عنوان یکی از بازیگران فعال در بازار آفرینش‌های فکری که دارای آثار منفی برجسته‌تری نسبت به پیامدهای مثبت خود هستند و موجب تغییر نگرش حقوقدانان، قانونگذاران و قضات در خصوص حقوق اختراعات، از جمله دایره حقوق مالک اختراع و روش‌های



جبران خسارت در دعاوی نقض اختراع گردیده‌اند و در نتیجه نسبت به برقراری تعادل بین حقوق مخترع و منافع عمومی جهت کاهش موارد سوءاستفاده از حقوق انحصاری اعطایی به مالک اختراع اقداماتی صورت گرفته است.

۷. منابع و مأخذ

- [۱] Chuang, Ashley, «Fixing the failures of software patent protection: deterring patent trolling by applying industry-specific patentability standards», *Southern California Interdisciplinary Law Journal*, vol. ۱۶, ۲۰۰۶.
- [۲] Mello, J. P, «Technology licensing and patent trolls», *Boston university Journal Of Science & Technology Law*, Vol. ۱۲, ۲۰۰۶.
- [۳] Henkel, Joachim, Ritzky, Markus, «Patent Trolls, the Sustainability of 'Locking-in-to-extort' Strategies, and Implications for Innovating Firms», ۲۰۱۰.
- [۴] Rantanen, Jason, «Slaying the troll: litigation as an effective strategy against patent threats», *Santa Clara Computer & High tech. law journal*, vol. ۲۳, ۲۰۰۷.
- [۵] Mayergoyz, Anna, «Lessons from Europe on How to Tame U. S. Patent Trolls », *Cornell International Law Journal*, vol. ۴۲, ۲۰۰۹.
- [۶] N. Magliocca, Gerard, «Blackberries and Barnyards: patent troll and the perils of innovation» , *Notre Dame Law Review*, ۲۰۰۷.
- [۷] L. Turner, John, «Patent ticket, Trolls and Unproductive Entrepreneurship», ۲۰۱۱.
- [۸] Hardin, Garrett, «The Tragedy of the Commons» , *Sciences New Series*, Vol. ۱۶۲, ۱۹۶۸.



- [۹] A. Heller, Michael, «The Tragedy of the Anticommons: Property in the Transition from Marx to Markets », *Harvard law review*, ۱۹۹۸.
- [۱۰] Vakili, Keyvan, «Strategic Patenting and the Tragedy of Anticommons: A Closer Look at Firms' Patenting Behavior », *University of Toronto*, ۲۰۱۱.
- [۱۱] Hall, Bronwyn, Helmers, Christian, Graevenitz, Georgvon & Rosazza-Bondibene, Chiara, «A Study of Patent Thickets », *university of California*, ۲۰۱۲.
- [۱۲] Mossoff, Adam, «The rise and fall of the first American patent ticket: the sewing machine war of the ۱۸۵۰s », *Arizona law review*, vol. ۵۳, ۲۰۱۱.
- [۱۳] فلاحی، غلامرضا، تاج آبادی، رضا، «شرایط ثبت اختراع و بررسی قوانین و مباحث حقوقی آن»، *مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران*، ش ۳، اسفند ۱۳۸۵.
- [۱۴] Kahalelio Gregory, «Jennifer, The troll next door», *John Marshall Law School*, vol. ۶, ۲۰۰۷.
- [۱۵] A. Cotropia, Christopher, «Compulsory Licensing Under TRIPS and the Supreme Court of the United States' Decision in eBay v. MercExchange», *University of Richmond School of Law*, ۲۰۰۸.
- [۱۶] K. Shrestha, Sannu, «Trolls or market-makers? An empirical analysis of nonpracticing entites», *Columbia law review*, Vol. ۱۱۰, ۲۰۱۰.
- [۱۷] Risch, Michael, «Patent troll myth», *Seton Hall Law Review*, Vol. ۴۲, ۲۰۱۲.
- [۱۸] F. McDonough, James, «The myth of the patent troll: an alternative view of the function of the patent dealers in an idea economy », *Emory law journal*, vol. ۵۶, ۲۰۰۶.



- [۱۹] Morgan, marc, , «Stop Looking Under the Bridge for Imaginary Creatures: A Comment Examining Who Really Deserves The Title Patent Troll», *The federal circuit bar journal*, vol. ۱۷, ۲۰۰۸.
- [۲۰] Helmers, Christian & McDonagh, Luke, «Trolls at the High Court», *London School of Economics and Political Science*, ۲۰۱۲.
- [۲۱] Coker Coursey, Caroline, Battling the Patent Troll: Tips for Defending Patent Infringement Claims by Non-Manufacturing Patentees, *American journal of trial advocacy*, vol. ۳۳, ۲۰۰۹.
- [۲۲] F. Luman, John, L. Dodson, Christopher, «No Longer a Myth, the Emergence of the Patent Troll: Stifling Innovation, Increasing Litigation, and Extorting Billions», *Intellectual Property & Technology Law Journal*, vol. ۱۸, ۲۰۰۶.
- [۲۳] Bessen, James, Ford, Jennifer, J. Meurer, Michael, «The Private and Social Costs of Patent Trolls», *Boston University school of Law and Economics*, ۲۰۱۱.
- [۲۴] Tucker, Catherine, «Patent Trolls and Technology Diffusion», Massachusetts Institute of Technology, ۲۰۱۱.
- [۲۵] Menno, Driesse, Trolling Strategies of Non-Practicing Entities in Europe, *University Of Technology*, ۲۰۱۲.
- [۲۶] Hosie, Spencar, «Patent Trolls and the New Tort Reform: A Practitioner's Perspective», *Journal of law and policy*, vol. ۴, ۲۰۰۸.